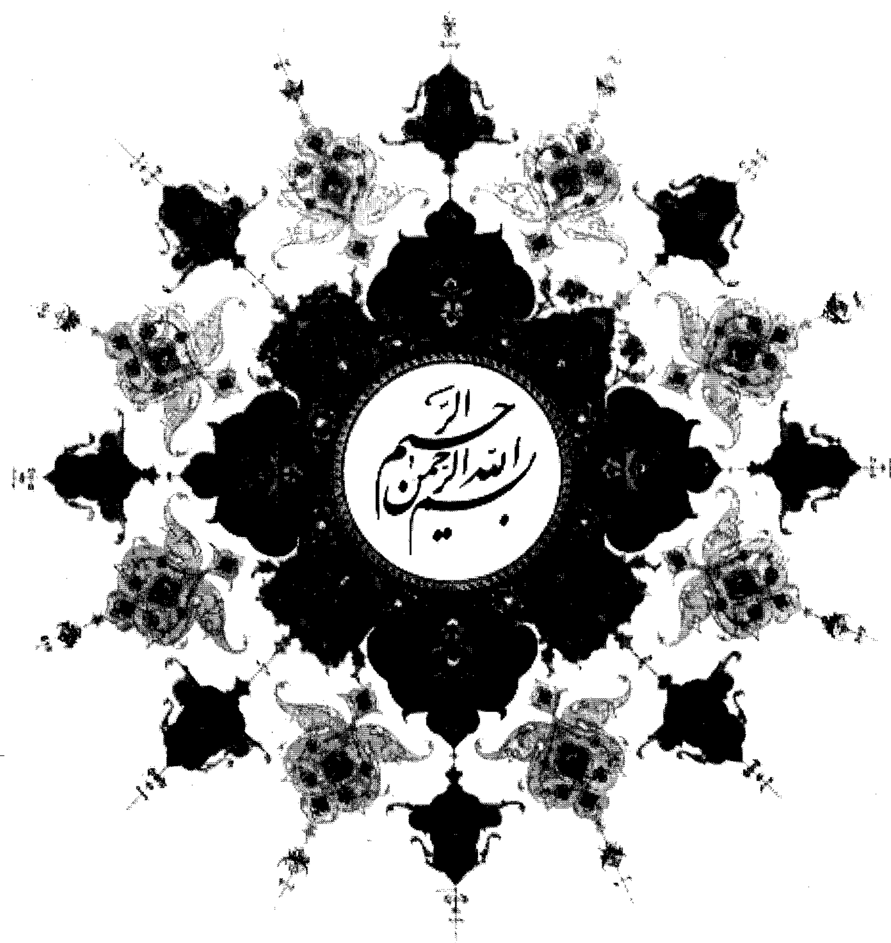
چگونه نماز را برای فرزندانمان دوست داشتنی نماییم؟



نویسنده : دکتر امانی زکریا الرمادی


بسم الله الرحمن الرحیم

چگونه نماز را برای فرزندانمان دوست‌داشتنی نماییم؟



نویسنده: دکتر امانی زکریا الرمادی
مترجم: مسلم خدری

شیراز
انتشارات ایلاف

سرشناسه	:	رمادی، امانی‌زکریا Zakariya Ramadi, Amani
عنوان قراردادی	:	کیف نحبّب الصلاة لأبنائنا.
عنوان و نام پدیدآور	:	چگونه نماز را برای فرزندانمان دوست‌داشتنی نماییم ؟/ نویسنده امانی‌زکریا الرمادی؛ مترجم مسلم خدری.
مشخصات نشر	:	شیراز: ایلاف، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	:	۴۸ ص.
شابک	:	۱۰۰۰۰ ریال: ۲-۰۴۵-۱۹۸-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
موضوع	:	نماز.
موضوع	:	تعلیمات دینی.
شناسه افزوده	:	خدری، مسلم، ۱۳۴۸ - ، مترجم.
رده بندی کنگره	:	۱۳۸۸ ۳۰۴۳الف۸ر/BP۱۸۶
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۳۵۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۱۱۰۱۷۶۶



دفتر: خیابان فردوسی، کوچه‌ی ۱۲، ساختمان شماره‌ی ۲۰، طبقه‌ی همکف، تلفن: ۲۲٤٥٧٥٥
فروشگاه: بولوار زند، جنب بانک ملی شعبه‌ی کوثر، پاساژ صاحب‌الزمان، تلفن: ۲۳۰٥٦٤٠
همراه: ۰۹۱۷۷۰۲۳۱۷۵ www.ilaf.ir

نام کتاب: چگونه نماز را برای فرزندانمان دوست‌داشتنی نماییم؟
نویسنده: دکتر امانی زکریا الرمادی
مترجم: مسلم خدری
ویراستار: مجید احمدی
طرح جلد: گروه طراحی هفت
ناشر: ایلاف
تیراژ: ۳۰۰۰
نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۸۹
لیتوگرافی: پردیس
چاپ: دنیا
صحافی: پارس

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

شابک ۲-۰۲۹-۱۹۸-۹٦٤-۹۷۸ **ISBN 978- 964-198-029-2**

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

مقدمه

ستایش برای پروردگار جهانیان، ستایشی که درخورد جلال و کمال او باشد، ستایشی کـه سـزاوار ذات شـکوهمند او و بزرگـی قـدرت او باشد، ستایشی که رحمت، بخشایش، بخشندگی، و نعمت فـراوان او را در برگیرد، ستایشی به اندازه‌ی مهـر او بـه بنـدگان مـومنش؛ و درود و سلام بر کامل‌ترین آفریده‌ی او و بر همه‌ی خاندان، یاران و پیروان او تا روز رستاخیز باد.

این کتابچه، خطابی است به همه‌ی پدران و مادران و هر آن کس که سرپرستی کودک مسلمانی را بر عهـده دارد. نویسـنده در تهیـه‌ی ایـن کتاب کوچک از خداوند علیم و حکیم درخواست کمک و یاری کـرده است؛ خداوندی که همه‌ی دانشمندان به وجودش محتاج‌اند؛ لـذا اگـر توفیقی در آن به چشم می‌خورد، از الطاف یزدان است و اگر تقصـیری در آن هست، از نفس و شیطان است.

فرزندان ما جگرگوشه‌های مـا هسـتند کـه بـر روی زمـین زنـدگی می‌کنند، گرچه بر اساس فطرت دیده به جهـان گشـوده‌انـد، امـا طبـق فرموده‌ی پیغمبر ﷺ: «این پدر و مادر اویند که او را یهودی و مسیحی و مجوسی بار می‌آورند.»

چنانچه پدر و مادر هم مؤمن باشند، باز محیط و جامعه توان آن را دارند که اختیار را از پدر و مادر و مربیان سلب نموده و تسلط خود را بر تربیت آنان اعمال کنند و بر این اساس می‌توان گفت: اگر پدر و مادر سستی و کوتاهی کنند و اقدامات و احتیاط‌های لازم را به کار نگیرند، محیط و جامعه توان آن را دارند که فرزندانشان را یهودی، مسیحی و زرتشتی و... کنند.

اگر بخواهیم از آغاز شروع کنیم، حقیقت مطلب این است که شالوده و نقطه‌ی قوت دین، نماز است و برپایی نماز، استواری دین و ترک آن، پناه بر خدا نابودی دین را در پی دارد.

در این کتاب به منظور جلوگیری از طولانی شدن موضوع، سؤالاتی با راهکارهای عملی طرح شده‌اند تا والدین و فرزندان با هم از آموزش عملی نماز لذت ببرند و چنین احساس نکنند که نماز، مسؤولیتی دشوار و وظیفه‌ای ناخوشایند و موجب آزردگی روان است.

واقعیت این است که نگارنده‌ی این سطور در خصوص آموزش نماز به فرزندش بسیار رنج دیده است و تا کامل شدن دهه‌ی اول عمر فرزندش به اهمیت این موضوع پی نبرد؛ یعنی سنی که نماز بر فرزند واجب است و در صورت ترک آن طبق حدیث صحیح باید تنبیه بدنی شود. بعد از آن کوشید تا با کاویدن جنبه‌های مختلف موضوع و پرسش در این زمینه، به راهکار مناسب دست یابد، و به این نتیجه رسید که ممکن است تنبیه بدنی کودک و مجازات وی، نتیجه‌ای عکس در پی داشته باشد

و صلاح را در آن دید که به تشویق و ترغیب روی آورد، به امید آن که پروردگار او را موفق گرداند.

بعد از این که به دنبال کتاب‌ها و نوارهای ضبط شده در زمینه‌ی تشویق کودکان به نماز گشتم چیزی جز یک کتابچه نیافتم که آن هم عطشم را فرو ننشانده و موضوع را همه جانبه بررسی نکرده بود؛ پس از آن به سراغ مادران رفتم تا از تجربه‌ی آنان بهره گیرم، و نیز به جست‌وجوی پایگاه‌های اینترنتی اسلامی پرداختم، و در سایت "eslam on line" مشاوره‌های مختلف تربیتی در موضوع «با هم فرزندانمان را تربیت کنیم» و نیز مقاله‌ای با عنوان "راه‌های دوست داشتن نماز" را مشاهده کردم و متوجه شدم که سؤال‌کننده، مادری سرگردان همچون خود من است و پی بردم که آموزش کودکان در دنیای امروزی مستلزم به کارگیری روش‌هایی است که با روش‌های زمان گذشته فرق دارد و نیز دریافتم که مادر پرسشگر بسیار مشتاق است که نماز را به فرزندانش آموزش دهد. تنها تفاوت این مادر با من در این بود، که من به عنوان یک نویسنده هدفی به مراتب بالاتر از او دنبال می‌کردم؛ همان هدفی که انگیزه‌ی نگارش این کتابچه شد: چگونه محبت نماز را چنان در دل فرزندانمان جای دهیم که با گذشت زمان، خود را از آن بی‌نیاز ندانند و در سن نوجوانی آن را ترک نکنند - چنانکه معمولاً این گونه است- تا سخن الله والامرتبه که می‌فرماید: "نماز از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد" محقق گردد.

هنگام عملی کردن پند و اندرزهای مذکور در این نوشتار، باید احتیاط کرد؛ زیرا میان کسانی که در یک محیط با هم زندگی می‌کنند و رشد می‌یابند، تفاوت‌های شخصیتی وجود دارد و شخصیت و طبیعت هر کودک با کودک دیگر متفاوت است و چیزی که مناسب آن یکی است، مناسب دیگری نیست. تشخیص بهترین راه و روش این پند و اندرزها برای کودک، به پدر و مادر و نزدیک‌ترین فرد به کودک واگذار می‌شود؛ بنابراین پند و اندرزهای این کتابچه را نباید بدون مطالعه و فکر کردن اجرا کرد و باید تشخیص داد که اجرای آن‌ها چگونه در ثمردهی و ارتباط با شخصیت کودک، همخوانی دارد.

از خداوند متعال می‌خواهیم که این نوشته را مایه‌ی خیر و صلاح و مورد قبول درگاهش قرار دهد!

چرا باید تلاش کنیم که فرزندانمان نماز را دوست داشته باشند؟

۱ . چون تلاش کردن دستور خداست و معنای راستین اسلام ما نیز فرمانبرداری از دستور پروردگار و تسلیم کامل در مقابل دستورهای او و دوری از منهیات اوست.

خداوند متعال فرموده است: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُ عَلَيۡهَا مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٞ شِدَادٞ لَّا يَعۡصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ ۝٦﴾ [تحریم: ۶]

«ای مؤمنان! خود و خانواده‌ی خویش را از آتش دوزخی برکنار دارید که افروزنده‌ی آن، انسان‌ها و سنگ‌هاست.»

و نیز فرموده است: ﴿وَأۡمُرۡ أَهۡلَكَ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱصۡطَبِرۡ عَلَيۡهَاۖ لَا نَسۡـَٔلُكَ رِزۡقٗاۖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكَۗ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلتَّقۡوَىٰ ۝١٣٢﴾ [طه: ۱۳۲]

«و خانواده‌ی خود را به خواندن نماز دستور بده و خود بر آن شکیبا باش! ما از تو روزی نمی‌خواهیم، بلکه ما به تو روزی می‌دهیم.»

۲ . رسول خدا ﷺ به صراحت به ما دستور داده است:

(**عَلِّمُوا أَولادَكُمْ بالصَّلاةِ لِسَبْعٍ و اضْرِبُوهُمْ عَلَيهَا لِعَشْرٍ**): «نماز را در هفت سالگی به کودکانتان بیاموزید و آنان را در ده سالگی [در صورت ترک نماز] کتک بزنید.»

۳. باید تلاش کنیم تا وجدان پدران و مادران در مقابل تعهدی که به خدا داده‌اند، راحت باشد و از دایره‌ی گناه خارج شوند. امام ابن تیمیه، ﷫ فرموده است: «هر کس فرزندی یا کودکی یتیم یا برده‌ای خردسال نزدش باشد و او را به نماز دستور ندهد، مورد بازخواست و مجازات شدید قرار می‌گیرد؛ زیرا خدا و رسولش را نافرمانی کرده است».

۴. چون نماز پل ارتباطی بین بنده و خداست. وقتی ما می‌ترسیم که مبادا پس از مرگمان، فرزندانمان به انواع بیماری‌ها و درد و رنج‌ها گرفتار شوند و برای تأمین زندگی آنان از راه‌های مختلف تلاش می‌کنیم، چگونه ممکن است از آنان آسوده‌خاطر باشیم، در حالی که با خدا ارتباط نداشته باشند! اگر آنان با خدا در ارتباط باشند و به او توکل و افتخار کنند، آیا خوش‌حال و آسوده خاطر نخواهیم شد؟

۵. مادام که نسبت به دنیای فرزندانمان نگران هستیم، چرا نباید نسبت به قیامت آنان نگران باشیم! آیا می‌توانیم آنان را به حال خود رها کنیم تا - پناه بر خدا - اهل سقَر (دوزخ) شوند؛ دوزخی که نمی‌میراند و نابود و رها نمی‌سازد!

۶. تلاش می‌کنیم، زیرا نماز نور است و گوش جان می‌سپاریم به فرموده‌ی رسول خدا ﷺ که فرموده است: (**وَجُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلاةِ**): «روشنی چشم من در نماز است». و نیز فرموده است: (**رَأْسُ الأَمْرِ الإِسلامِ وَعَمودُهُ الصَّلاةُ**): «اساس و ستون اسلام، نماز است.» نماز اولین عملی است که بنده در روز قیامت در مورد آن بازخواست می‌شود.

چنانچه در عزم و اراده‌ی ما سستی پدید آید، چون هدف ما رضایت خداست، زود به خود بازآمده و به دلداری خویش پردازیم؛ چرا که در بهترین راه قدم گذاشته‌ایم.

۵ . صبر و شکیبایی، فرمانبرداری از خداست: وَأۡمُرۡ أَهۡلَكَ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱصۡطَبِرۡ عَلَيۡهَاۖ لَا نَسۡـَٔلُكَ رِزۡقٗاۖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكَۗ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلتَّقۡوَىٰ ﴿۱۳۲﴾ [طه: ۱۳۲]

«خانواده‌ی خود را به گزاردن نماز دستور بده [چرا که نماز مایه‌ی یاد خدا و پاکی و صفای دل و تقویت روح است] و خود نیز بر اقامه‌ی آن ثابت و ماندگار باش! ما از تو روزی نمی‌خواهیم، بلکه ما به تو روزی می‌دهیم؛ سرانجام [نیک] از آن پارسایان است.»

کار ما تنها به‌دست آوردن رزق و روزی نیست، بلکه دعوت به نماز و بندگی خدای والامرتبه در اولویت است؛ چون تنها خداست که تدبیرکننده‌ی روزی است: إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلرَّزَّاقُ ذُو ٱلۡقُوَّةِ ٱلۡمَتِينُ ﴿۵۸﴾ [ذاریات: ۵۸] «خداوند است که روزی‌دهنده است [همان] توانمندِ استوار.» انسان تا روزی و عمر خود را کاملاً دریافت نکند، از دنیا نمی‌رود؛ و باید مطمئن شویم - برخلاف آنچه تصور می‌کنیم- که رزق و روزی به سان مرگ است و هر چه انسان بخواهد از آن فرار کند، به دنبالش خواهد آمد!

و . زاری به درگاه خدا به وسیله‌ی دعا و استعانت از او.

رَبِّ ٱجْعَلْنِى مُقِيمَ ٱلصَّلَوٰةِ وَمِن ذُرِّيَّتِى ۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَآءِ ﴿٤٠﴾ [ابراهیم: ۴۰]

«پروردگارا! مرا و کسانی از فرزندانم را از برپادارندگان نماز قرار بده! پروردگارا! دعا و نیایش مرا بپذیر!»

زیرا بدون یاری خداوند و تنها با تکیه بر سعی و تلاش خود، راه به جایی نخواهیم برد و لازم است که در هنگام دعا و نیایش، پافشاری کرده و هرگز ناامید نشویم.

رسول خدا ﷺ این گونه به ما دستور داده است: (**أَلِظُّوا بِيَا ذاالْجَلالِ والإِكرامِ**): «با گفتن (یا ذاالجلال والاکرام) الحاح و پافشاری کنید.» یعنی ای کسی که صاحب عظمت و کرم هستی!

مقصود رسول خدا ﷺ این است که: ما با این اسم، مرتب از خدا درخواست کنیم. اگر دعا کردن به وسیله‌ی " اسماء الحسنی" زود اجابت می‌شود، پس سریع‌ترین اسماء الحسنی در پذیرش دعا [اگر خدا بخواهد] اسم (ذوالجلال والاکرام) است.

ز. ناامید نشدن از رحمت خدا. باید یادآور شویم که گشایش و رحمت خدا از جاهایی می‌رسند که ما فکرش را نمی‌کردیم. همچون موسی که در حالی که به سوی آسمان خالی از ابر می‌نگریست، برای قوم خویش طلب باران کرد و خدای متعال به او فرمود: ﴿وَإِذِ ٱسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦ فَقُلْنَا ٱضْرِب بِّعَصَاكَ ٱلْحَجَرَ ۖ فَٱنفَجَرَتْ مِنْهُ ٱثْنَتَا

عَشْرَةَ عَيْنًا ۖ قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ ۖ كُلُوا۟ وَٱشْرَبُوا۟ مِن رِّزْقِ ٱللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا۟ فِى ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٦٠﴾ [بقره: ۶۰]

«و آن گاه که موسی برای قوم خود طلب باران نمود به او گفتیم: عصای خود را به سنگ بزن. آنگاه دوازده چشمه از سنگ جوشیدن گرفت. [به گونه‌ای که] هر تیره‌ای از مردم آبشخور خود را دانست؛ از رزق الله بخورید و بیاشامید و در زمین سر به فساد بر مدارید.»

همچنین زکریا، در حالی صاحب فرزند شد، که خودش پیر و زنش نازا بود. و نیز خداوند در حالی حضرت مریم را یاری کرد که توان و قدرتی نداشت و مظلوم واقع شده بود و مردم از صحبت کردن با وی، امتناع می‌ورزیدند؛ در چنین حالی خداوند عیسی، فرزند مریم، را در گهواره‌اش به سخن در آورد و گشایشی در کار حضرت مریم پدید آورد.

باید یقین داشته باشیم که خداوند به خاطر تلاشی که می‌کنیم، پاداش ما را خواهد داد و کسی را وسیله و سبب هدایت فرزند ما قرار خواهد داد و یا او را در موقعیت و شرایطی قرار می‌دهد که سبب نزدیکی او به خدا گردد.

پس وظیفه‌ی ما تنها این است که تلاش و کوشش کنیم و به خدا یقین و اعتماد داشته باشیم.

چرا باید از تشویق استفاده کنیم نه از تهدید؟

• خداوند متعال فرموده است: ﴿ٱدۡعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلۡحِكۡمَةِ وَٱلۡمَوۡعِظَةِ ٱلۡحَسَنَةِۖ وَجَٰدِلۡهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ ١٢٥﴾ [نحل: ۱۲۵]

«ای پیامبر! با حکمت و اندرز نیکو به راه پرودگارت دعوت کن و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است مجادله کن. در حقیقت، پروردگار تو به حال کسی که که از راه او منحرف شده داناتر، و او به حال راه‌یافتگان نیز داناتر است.»

• رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: (**إِنَّ الرِّفْقَ لا يَكُونُ فِي شَيْءٍ إِلاَّ زانَهُ، ولا خَلا مِنهُ شَيْءٌ إِلاّ شَانَهُ**): «وجود نرمی و مهربانی در هر چیزی، موجب زینت آن، و تهی بودن هر چیزی از آن، موجب زشتی آن می‌شود.»

هدف اساسی ما این است که فرزندانمان نماز را دوست بدارند؛ تهدید کردن آنان نتیجه‌ای جز بغض و کینه در بر ندارد؛ بنابراین زمانی که فرزندانمان دوستدار نماز شدند، این دوستی در دل و جان آنان ریشه دوانیده و با خونشان آمیخته می‌شود؛ به گونه‌ای که در طول زندگی‌شان نمی‌توانند خود را از آن بی‌نیاز بدانند و عکس آن نیز نتیجه‌ی معکوس دارد.

• تشویق دیگران، دلسوزی و مهربانی در بر دارد. رسول گرامی ﷺ در این باره فرموده است: (**الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحمانُ**): «کسانی که

دلشان به حال مردم بسوزد و بر آنان رحم کنند، خدا نیز بر آنان رحم خواهد کرد.»

و نیز فرموده است: (**إِرْحَمُوا مَن فِي الأَرْضِ يَرْحَمْكُمْ مَن فِي السَّماءِ**): «به کسانی که در زمینند رحم بکنید، تا کسی که در آسمان است به شما رحم کند.»

و بر این اساس باید در مسیر انجام وظیفه، مهربانی و دلسوزی را سرلوحه‌ی کار خود قرار دهیم.

• تهدید کردن، در دل‌های کوچک کودکان ترس ایجاد می‌کند و اگر از ما بترسند، جز در حضور ما نماز نمی‌گزارند و این با تقوا و خوف از خدا که باید در نهان و آشکار باشد منافات دارد، و نتیجه‌ی ترس کودک از ما پیدایش عقده‌های روانی در اوست و روشن است که این‌ها خود مانع بزرگ پیشرفت کودکان هستند.

• تهدید، کودک را در انجام دادن خواسته‌های ما از آنان توانا نمی‌سازد، بلکه آنان را وا می‌دارد تا به دنبال راهی برای بازگردان اعتبار خود باشند. به یاد داشته باشید که هر فردی از کسی پیروی می‌کند که دوستش داشته باشد.

• هدف اساسی ما تداوم کودکان بر اقامه‌ی نماز در طول زندگی‌شان است و باید متوجه باشیم که رابطه‌ای که بر اساس کینه، ترس و نفرت استوار باشد، هیچ گاه نمی‌تواند پایدار بماند.

چگونه کودکانمان را به نماز خواندن تشویق کنیم؟

ابتدا لازم است که پدر و مادر [یا کسی که سرپرستی کودکی را برعهده دارد] یک روش روشن، مشخص و ثابت داشته باشد، تا کودک دچار سردرگمی نشود و تمام تلاش‌هایی که در این راستا صورت گرفته است، به هدر نرود؛ مثلاً اگر مادر به فرزندش به خاطر نماز خواندنش هدیه‌ای بدهد، پدر نباید بدون انجام کار مثبتی از طرف کودک، هدیه‌ای بزرگ‌تر از هدیه‌ی مادر - که مستحق آن نباشد - به او بدهد، چنین حرکتی از سوی پدر به بی‌ارزش شدن هدیه‌ی مادر در نگاه کوچک می‌انجامد؛ یا این که مادر، کودک را به خاطر تقصیری که مرتکب شده است، تنبیه کند و پدر از روی دلسوزی به کودک، با شیوه‌های مختلف رضایت او را جلب کند!

دادن پاداش به کودک، باید سریعاً پس از انجام کار باشد، تا کودک متوجه شود که این پاداش، به خاطر کوششی بوده که انجام داده است؛ مثلاً هر وقت کودک نمازهای پنجگانه را به جا آورد، پاداشش را بلافاصله بعد از نماز عشاء به او بدهیم.

اول: دوران نوباوگی (سه سالگی تا پنج سالگی)

دوران سه سالگی برای کودک، دوران استقلال و ابراز وجود و در عین حال، دوران تقلید و همانندسازی خود با دیگران است. هرگاه کودک در کنار ما به نماز ایستاد، نباید مانع تقلید او شویم و بگوییم: "فعلاً تو باید بازی کنی تا به هفت سالگی برسی، چون هنوز نماز بر

تو فرض نشده است.» بلکه باید او را به حال خود بگذاریم تا به تقلید ادامه دهد و در خلال آن چه دوست دارد و برمی‌گزیند، استقلال و بی‌نیازی خود را از ما به اثبات برساند. و ما - به جز در موارد مخاطره‌آمیز- نباید در رفتار او دخالت کنیم.

اگر کودک، در کنار نمازگزار به نماز ایستاد، اما رکوع و سجود را انجام نداد و شروع به بازی و کف زدن کرد، باید او را به حال خودش واگذاریم. باید بدانیم که در این دوره، ممکن است کودکان از جلو نمازگزاران رد شوند و یا روبه‌روی آنان بایستند و یا بر دوششان سوار شوند، یا گریه کنند. زمانی که مشغول نماز هستیم و کودک گریه می‌کند، می‌توانیم او را بغل کنیم، مخصوصاً هنگامی که ممکن است برایش مشکلی پیش بیاید، یا در خانه کسی نباشد که به او توجه کند. همچنین نباید آنان را به خاطر مزاحمت‌هایی که هنگام نماز خواندن برای ما ایجاد می‌کنند، از خود برانیم.

در این دوران، حفظ سوره‌های فاتحه، اخلاص و معوّذتین (سوره‌های ناس و فلق) برای کودک مناسب است.

دوم: دوران کودکی (پنج سالگی تا هفت سالگی)

در این دوران می‌توان با بیان ساده و شیوا همراه با مثال، به نحوی کودک را به سوی نعمت‌ها و فضل و بزرگواری و محبت و رحمت خداوند نسبت به بندگان، راهنمایی کرد؛ به طوری که از درون مشتاق کسب رضایت خدا شود. در این دوران باید برای کودک بیش‌تر از خدا

و قدرت او و نام‌های زیبا و فضل و بزرگواری‌اش سخن بگوییم؛ و در مقابل نیز، ضرورت اطاعت از خدا و انجام عبادت به گونه‌ی شایسته و نیکو و آسانی و سادگی عبادت و لذت پرستش و بیان آثار آن بر زندگی انسان را یادآور شویم.

در همان حال لازم است که کودک، الگوی مناسبی داشته باشد. دیدن پدر و مادر در حال پایبندی آنان به نمازهای پنجگانه بدون احساس خستگی، می‌تواند نگاه کودک را نسبت به نماز و اطاعت و فرمانبرداری از خدا تغییر دهد و تأثیر مثبتی بر جای گذارد. کودک نماز را دوست خواهد داشت و خود را به آن عادت خواهد داد - چون اطرافیانش نماز را دوست دارند - همان طور که به دیگر اعمال روزانه، عادت کرده است. برای این که نماز به عادت تبدیل نشود و در چارچوب عبادت باقی بماند، لازم است که در کنار آن قسمت‌هایی از مسائل عقیده و آنچه در این راستا مفید به نظر می‌رسد، بیان شود. داستان اسرا و معراج و وجوب نماز یا داستان اصحاب بزرگوار و رابطه‌ی آنان با نماز، مثال‌های خوبی در این زمینه‌اند.

از جمله مسایلی که پیوسته بر آن تاکید می‌کنیم، پرهیز از به کارگیری روش‌های موعظه و انتقاد شدید، یا روش ترس و تهدید است. ناگفته پیداست که زدن کودک در این سن روا و درست نیست، و به جای آن لازم است که از تنبیه‌های مثبت استفاده کنیم؛ به این معنا که کودک مورد تشویق قرار بگیرد تا نماز جزیی اساسی از زندگی او گردد.

در زمستان باید آب گرم فراهم باشد؛ چون کودک به خاطر سردی آب، از نماز فرار می‌کند و این مسأله، تقریباً همگانی است. در مورد دختران، باید با مسایلی که به نظر ساده می‌آیند اما در واقع دارای تأثیر طولانی مدت می‌باشند دلشان را به دست آوریم؛ مثلاً تهیه کردن چادر مخصوص نماز که طرح بافندگی و گلدوزی آن، شبیه چادر مادر در خانه باشد. همچنین آماده کردن جانماز کوچک مخصوص کودک.

هرگاه خستگی و بی‌حوصلگی در کودک مشاهده کردیم، می‌توان او را به حال خودش واگذاریم تا اگر خواست نماز چهار رکعتی را دو رکعت بخواند تا کم کم شیرینی نماز را احساس کند و بعد از آن تعداد رکعات نمازهای ظهر و عصر را به او می‌آموزیم تا به اشتیاق خودش آن‌ها را کامل بخواند. همچنین می‌توان کودکی را که در وضو گرفتن بی‌حوصله است، با انجام بازی کودکانه به این کار تشویق کنیم.

مشاهده می‌شود که روش آموزش نماز، تدریجی و گام به گام است و کودک ابتدا، نماز صبح را در هر روز شروع می‌کند، سپس نماز ظهر و عصر و همین طور پیش می‌رود تا این که به تدریج به خواندن کامل نمازهای پنجگانه عادت کند. بعد از عادت یافتن به نمازهای روزانه، او را به نماز اول وقت تمرین می‌دهیم و سپس نمازهای سنت را به او آموزش می‌دهیم. همه‌ی این‌ها باید با توجه به توان و میزان بازدهی کودک صورت گیرد.

در حین تمریناتی که صورت می‌گیرد، می‌توانیم با استفاده از وسایل مختلف به کودک، پاداش بدهیم. البته لازم نیست که پاداش حتماً

جنبه‌ی مالی داشته باشد. پاداش در نظر گرفته شده باید به این صورت باشد که هر گاه نمازهای پنجگانه را - هر چند به شکل قضا - خواند، به او داده شود و اگر به موقع آن‌ها را به جا آورد، پاداشی دیگر و اگر در اول وقت خواند، پاداشی دیگر به او بدهیم.

باید به کودک بیاموزیم که شتاب به سوی نماز، شتاب به سوی بهشت است و می‌توانیم خوبی‌های موجود در او را برایش بازگو کنیم؛ مثلاً من تو را در بهشت می‌بینم که با دو بال پرواز می‌کنی. یا یقین دارم که به خاطر تلاشی که می‌کنی و نماز را به جای می‌آوری، خداوند از تو راضی است و بسیار دوستت دارد؛ من خواب تو را دیدم که در بهشت با بچه‌ها بازی می‌کردی و بعد از نماز جماعت با آنان، پیغمبر نیز با شما بازی می‌کرد.

پسران باید تشویق شوند که همراه پدر (یا کسی‌که مورد اعتماد است) به مسجد بروند و این به دو دلیل موجب سعادت و خوشبختی آنان می‌گردد:

الف: به خاطر این که پدرشان را همراهی می‌کنند.

ب: به خاطر این که زیاد از منزل به مقصد مسجد خارج می‌شوند. برای رفتن به مسجد سعی شود که از کفش‌های بنددار [که هنگام پوشیدن و بیرون آوردن، وقت آنان را می‌گیرد] پرهیز شود.

در این دوران لازم است که بعضی از احکام ساده‌ی طهارت مثل پرهیز از نجاست، آداب دستشویی، نظافت بدن و لباس و نیز رابطه‌ی نماز با طهارت به او آموخته شود. همچنین ضروری است که آداب

وضو به صورت عملی به کودک آموزش داده شود، همان طور که اصحاب بزرگوار وضو را عملاً به کودکان خود می‌آموختند.

سوم: پایان دوران کودکی (هفت سالگی تا ده سالگی)

در این مرحله، رفتار کودکان به طور عمومی در قبال نماز تغییر می‌یابد و پایبندی آنان نسبت به نماز، هر چند که به آن عادت کرده باشند، از بین می‌رود. تنبلی و فرار و بهانه‌گیری از ویژگی‌های آشکار این دوران است؛ به تعبیر دیگر، این دوران، زمان نافرمانی، سرکشی و گریز کودک است. در این دوره‌ی زمانی باید با حکمت و حوصله با آنان رفتار نمود و از سؤال کردن به صورت مستقیم: نماز خوانده‌ای؟ دوری کرد؛ چون آنان ناچار متوسل به دروغ شده و به خاطر فرار از نماز، ادعا می‌کنند که آن را به جا آورده‌اند. در آن هنگام ممکن است که ما نیز واکنش نشان داده و به خاطر این دروغ بر سر او فریاد بکشیم و یا به رغم اطلاع از دروغگویی کودک از موضوع صرف نظر کنیم، روش بهتر آن است که مطرح کردن نماز به صورت جدی در قالب آگاه کردن باشد و نه سؤال پرسیدن؛ مثلاً: دو سه بار تکرار کنید: بچه جان، نماز عصر! و اگر بر فرض مثال گفت: که نمازش را در اتاق خوانده است، به او بگویید: با نمازی که به جا آورده‌ای اتاقت را بابرکت کردی، به خاطر این که اتاق من هم از این برکت بی‌بهره نباشد، بیا نماز را با هم بخوانیم، زیرا ملائکه در محل برگزاری نماز، حاضر می‌شوند و با خود رحمت و برکت می‌آورند! و نمازی که

خواندی سنت به حساب آور. این سخن را با تبسم و آرامی به او بگو تا از تکرار دروغ او جلوگیری شود.

اگر کودک نماز را به جا نیاورد، پدر یا مادر باید در کنارش بایستد - تا او را نگاه دارد- و با قاطعیت و نه با درشتی و تهدید به او بگوید: من منتظر چیزی ضروری هستم که باید قبل از این که فرصت از دست برود، انجام شود.

باید کودکان را به نماز خواندن تشویق کرد. دختران نسبت به پسران به نماز جماعت علاقه‌ی بیش‌تری نشان می‌دهند؛ چون زحمت کم‌تری برایشان دارد و باعث تشویق آنان می‌شود. تنها کافی است به آنان بگوییم: بیا تا با هم نماز بخوانیم! پسران را می‌توان به رفتن به مسجد تشویق کرد؛ رفتن کودک به مسجد به او فرصت استراحت می‌دهد و برای اطمینان از رفتن وی به مسجد، می‌توان مسؤولیت دومی مثل خرید نان یا جویای حال همسایه را نیز به او سپرد.

در هر حالت، چه پسر و چه دختر، ما نباید تشویق و مراقبت بر پایبندی آنان به نماز را فراموش کنیم، زیرا پایبندی آنان به نماز از بهترین ویژگی شخصیتی آنان است که ما دوست داریم در آنان ببینیم، و موجب می‌شود که بر بقیه‌ی مشکلات و عیوب چیره گردند. در این دوره‌ی سنی می‌توان احکام طهارت، ویژگی‌ها و صفات پیامبر ﷺ و بعضی از دعاهای مخصوص نماز را به کودک آموخت. رسیدن به سن هفت سالگی را باید یک حادثه‌ی مهم در زندگی کودک به شمار آوریم، و به همین مناسبت مراسم جشنی برایش برگزار کنیم و نزدیکان

را دعوت کرده و منزل را به بهترین شکل بیاراییم، زیرا سن هفت سالگی، آغاز دوره‌ی مواظبت بر نماز است و برگزاری چنین مراسمی، قطعاً تأثیر مثبتی بر شخصیت کودک خواهد گذاشت. می‌توان یک یا دو ماه قبل، موضوع دعوت را اعلام کرد، تا کودک بتواند هر چه بیش‌تر، خود را برای آن روز بزرگ، آماده کند.

در این مرحله باید کودک را به ادای نمازهای پنجگانه در روز، عادت داد، به نحوی که اگر یکی از نمازهایش فوت شد، آن را قضا نماید. وقتی همه‌ی نمازهای فرض را در وقت خود خواند، به او یاد می‌دهیم که به محض شنیدن اذان، در اول وقت نمازش را بخواند و آن را به تأخیر نیندازد؛ بعد از این که این کار را هم انجام داد، نوبت به آموزش نماز سنت و ذکر فضیلت آن‌ها به اوست و به او اختیار دهیم که از همین حالا یا زمانی که بزرگ‌تر شد، به نماز سنت پایبند باشد و آن را به جا آورد.

از جمله مواردی که در این دوران به کودک کمک می‌کند تا بر انجام نماز پایبند باشد، به شرح زیر است:

۱. لازم است که کودک به طور مداوم، حساسیت پدر و مادر را نسبت به نماز ببیند؛ مثلاً اگر فرزند قبل از خواندن نماز عشاء اجازه‌ی خوابیدن بگیرد، پدر بدون تردید بگوید: چیزی به نماز عشاء نمانده، صبر بکن تا با هم نماز بخوانیم، بعد با نام خدا بخواب! اگر وقت نماز مغرب نزدیک باشد و فرزند قصد رفتن به باشگاه و یا دیدن یکی از دوستان را داشته باشد، والدین باید به او بگویند: اول نمازمان را

می‌خوانیم و بعد بیرون می‌رویم. از جمله وسایل بیدار ساختن حس کودکان به نماز، شنیدن ارتباط قرار و وعده گذاشتن با نماز است، مثلاً "فلانی را در وقت نماز عصر می‌بینیم"؛ "فلانی بعد از مغرب به دیدنمان می‌آید.

۲. اسلام به ورزشی که از بدن محافظت کرده و به تقویت آن بینجامد، اهمیت می‌دهد؛ چون مومن قوی نزد خداوند، بهتر و محبوب‌تر از مومن ضعیف است. البته به شرط این که دوست داشتن ورزش و تمرین کردن، موجب نشود که نماز در وقت آن خوانده نشود که این کار پسندیده و پذیرفته نیست.

چنانچه کودک بیمار شد باید به اندازه‌ی توانش او را به انجام نماز ملزم کرد، تا بفهمد که حتی هنگام بیماری هم عذری برای ترک نماز وجود ندارد. اگر مسافرتی پیش آمد باید رخصت و اجازه‌ی نماز قصر و جمع را به او آموخت و برایش شرح داد که این رخصت و اجازه (خواندن نماز قصر و جمع) از نعمت‌های خداوند است و اسلام نیز برنامه‌ای سرشار از رخصت و رحمت است.

۳. باید کوشید و در فرزند شجاعت و انگیزه‌ی دعوت را ایجاد کرد تا دوستان و همکلاسی‌هایش را به نماز دعوت کند و به او یاد دهیم که بدون رودربایستی برای رسیدن به نماز جماعت، مکالمه‌ی تلفنش را کوتاه، یا حتی قطع کند و کسانی از آنان که نسبت به نماز خواندن سستی می‌کنند مسخره نکند بلکه آنان را به این امر خیر دعوت کند و خداوند را به خاطر هدایتش به چنین نعمتی سپاس گوید.

بعد از پایبند شدن کودکان به خواندن نمازهای فرض، لازم است که نماز سنت را، به آنان یاد دهیم. برای ماندگار شدن نماز در دل بچه‌ها، بهره‌گیری از تمام وسایل شرعی و مباح ضروری است؛ از جمله:

۱. پوستری که چگونگی نمازخواندن و وضوگرفتن را به تصویر کشیده باشد.[۱]

۲. آموزش حساب و جدول ضرب که به نماز مربوط باشد؛ مثلاً: مردی که دو رکعت نماز خوانده و سپس چهار رکعت نماز ظهر هم به آن اضافه کرده، در مجموع چند رکعت نماز خوانده است؟ مردی فاصله‌ی خانه‌اش تا مسجد، ۵۰۰ متر است و در یک گام ۴۰ سانتی‌متر راه می‌پیماید؛ این شخص برای رسیدن به منزل یا مسجد باید چند گام بردارد؟ و اگر خداوند در ازای هر گام ده پاداش برایش بنویسد، در مجموع چند پاداش برای او نوشته می‌شود؟

۳. به کار گرفتن نوارهای ویدئو و سی‌دی که وضو و نماز را آموزش دهد و یا استفاده از هر چیز دیگری که خداوند متعال آن را روا دانسته است.

اما در مورد کتک زدن کودک در سن ده سالگی به خاطر نخواندن نماز، به نظر نگارنده اگر ما در همان ابتدای سنین کودکی به وظایف خودمان درست عمل کنیم و در این راستا بین پدر و مادر، همکاری و هماهنگی وجود داشته باشد، دیگر در این سن به کتک زدن نیازی نیست

---

[۱]. پوستر مورد نظر از سوی انتشارات ایلاف چاپ و منتشر شده است.

و اگر ناچار به چنین کاری شدیم، نباید جاهای حساس، مثل صورت کودک را زد و یا آنان را به سختی و به شدت تنبیه کرد و باید از تنبیه آنان جلوی دیگران خودداری کرد و به هنگام عصبانیت نیز هیچ اقدامی در این خصوص انجام نداد. هدف از تنبیه بدنی کودک - چنانکه رسول خدا ﷺ به آن دستور فرموده است - به صلاح آوردن و درمان است، نه مجازات و توهین و دو چندان کردن مشکل! اگر مربی احساس کند که کتک زدن برای کودک مشکل ایجاد می‌کند و یا این که به بیزاری او از نماز می‌انجامد باید از کتک زدن دست بردارد و تلاش کند که با کودک بر اساس برنامه‌ای که ذکر خواهیم کرد، رفتار کند.

به یاد داشته باشیم که مواظبت بر نماز را همچون هر رفتار دیگری می‌توان به کودک آموزش داد، اما نماز به دلیل دارا بودن جنبه‌ی دینی، از حساسیت بیش‌تری برخوردار است و مستلزم توجه بیش‌تری است، چنانکه پیامبر خدا ﷺ به هنگام توجه ما در زمینه‌ی تعلیم نماز به کودکان، این موضوع را مد نظر داشته و فرموده است: (**عَلِّمُوا أَولادَكُمْ بالصَّلاة لِسَبْعٍ واضْرِبُوهُمْ عَلَيهَا لِعَشْرٍ**): «نماز را در هفت سالگی به کودکانتان بیاموزید و آنان را در ده سالگی [در صورت ترک نماز] کتک بزنید.»

کلمه‌ی **بیاموزید**، بیانگر گام‌های برنامه‌ریزی شده برای مدت زمان سه ساله می‌باشد، تا کودک این عادت را کسب کند. پس از پایان مهلت سه ساله، زمان بازخواست از کودک آغاز شده و از مجازات به عنوان وسیله‌ای برای تربیت رفتار کودک استفاده می‌شود. بنابراین، عامل زمان در رفتاریابی مناسب کودک، بسیار مهم است و هنگام آموزش هر

رفتاری به آنان، نباید از وقت غافل ماند. تنها راهنمایی کردن کودک، کافی نیست؛ برای این کار نیازمند به برنامه‌ریزی مرحله به مرحله و مشخص و زمان کافی می‌باشد. همچنین، داشتن انگیزه‌ی لازم برای کسب رفتار، از مسائل مهم به شمار می‌آید. برای شکل‌دادن شخصیت کودک، نیازمند شروع به موقع، و ایجاد ارزش‌ها و مفاهیمی است که خود به خود به کودک رسد تا در او انگیزه ایجاد کند و به سوی یافتن رفتاری بکشاند که ما دوست داریم به او یاد دهیم؛ اگر پدر و مادر برای عادت دادن کودک به نماز تأخیر کنند، قطعاً در مراحل بعدی به وقت بیش‌تری نیاز خواهند داشت. به همین خاطر شکل دادن شخصیت درونی و روانی یک کودک ده ساله در مقایسه با یک کودک هفت ساله به تلاش بیش‌تری نیازمند است. در این حالت به جای پریشانی اعصاب، به صبر و آرامش و حکمت بیش‌تری نیاز داریم.

کودک در این دوره از ما انتظار دارد که او را درک کرده و به مشکلات و دغدغه‌هایش توجه داشته باشیم و در حل مشکلات یاری‌اش کنیم. او نباید احساس کند که تمام توجه ما، صرفاً معطوف به نماز اوست نه خود او؛ زیرا به دنیای پیرامون و تغییر و تحولاتی که بعد از یکی دو سال، برایش رخ خواهد داد، بسیار می‌اندیشد.

بازی برای کودک از جایگاه خاصی برخوردار است و به همین سبب غالباً از نماز غافل شده و لجبازی کرده و نماز را موضوعی بی‌اهمیت و عامل فشار روانی می‌پندارد؛ بنابراین نوع رفتار ما نباید

چنین احساسی در کودک، پدید آورد که به محض دیدن ما مطمئن باشد که در مورد نماز از او سؤال می‌کنیم!

باید یادآور شویم که کودک در این دوره هنوز به سن تکلیف نرسیده و دستور دادن به نماز در این رده‌ی سنی، فقط برای عادت دادن او به نماز است، نه چیز دیگر! بنابراین اگر از مشکلاتی که او را ناراحت کرده یا دغدغه‌ی خاطر برایش پدید آورده و یا درباره‌ی چیزی که می‌ترسد به آن دچار شود، از او سؤال کنیم، به محبت و دوستی و ارتباط مستحکم ما با او منجر شده و بعد از آن مطمئن می‌شود که تکیه‌گاه مطمئن و آغوش باز و گرم برای او هستیم. پس از آن که کودک چنین اعتمادی به ما پیدا کرد، به تدریج پاسخگوی تمام درخواست‌های ما در مورد نماز، عبادات، حجاب و ... خواهد شد.

چهارم: دوران نوجوانی

ویژگی‌های کودکان در این مرحله، سرکشی، لجبازی، نافرمانی و تلاش برای اثبات وجود خود به دیگران است؛ حتی ممکن است که این تلاش‌ها و ضدیت‌ها صرفاً یک نوع مخالفت باشد. همچنین نوجوانی، دوران رویایی است، دورانی که یک نوجوان به رغم علم به نادرست بودن کارش باز هم به سبب ویژگی‌های درونی‌اش اشتباهاتش را ادامه می‌دهد و اگر بخواهیم که او را از خطایی که مرتکب شده است، باز بداریم، نباید این شبهه را برایش ایجاد کنیم که دست برداشتن از خطا، به اختیار و میل خودش نبوده و به تأثیر نزدیکان یا دوستانش صورت گرفته است!

همچنین باید بدانیم که طرد کردن نوجوان فشار آوردن به او، کارساز نیست و به سرکشی و دوری او می‌انجامد. همان طور که گفته‌اند: «هر عملی، عکس‌العملی در پی دارد که در قوت با هم مساوی، و در جهت‌گیری ضد هم هستند». لذا باید فرزندمان را درک کرده و به حرف‌هایش گوش فرا دهیم تا سخنش تمام شود و ا آن جایی که می‌توانیم با او مهربان باشیم.

روش تحریکی و تدافعی در توجیه کردن یک نوجوان، نتیجه‌ای جز فرار و فاصله گرفتن از ما در بر ندارد. برنامه‌ای که در این زمینه پیشنهاد می‌شود، برنامه‌ای تدریجی است و این برنامه، به توفیق الهی کم و بیش سه ماه به طول می‌انجامد و در چند مرحله قابل ذکر است:

مرحله‌ی اول

این مرحله سه هفته یا بیش‌تر طول می‌کشد. در این مدت نباید به هیچ وجه از نماز صحبت کرد. این موضوع، شبیه خوراندن دارو به بچه است؛ دارویی که دکتر آن را تجویز کرده و ما از خواص و تأثیرات آن بی‌خبریم؛ تنها چیزی که می‌دانیم، آن است که پیغمبر خدا ﷺ فرموده است: (**لِکُلِّ داءٍ دَواءٌ**): «برای هر دردی دارویی است.» در واقع همان گونه که بچه‌ها در زمستان به تب و لرز دچار می‌شوند، در دوره‌ی نوجوانی نیز به بیماری سرپیچی و لجبازی دچار می‌شوند.

مربی عزیز! به یاد داشته باشید که شما می‌خواهید یک کودک را تربیت کنید؛ شما خواهان درمان موضوعی هستید که اگر به موقع برای درمان آن

اقدام نکنید، فقط خدا می‌داند که سرنوشت آن به کجا ختم خواهد شد! بنابراین تنها چاره‌ی کار، صبر و توکل و اعتماد به خداست.

بار دیگر به روشی که در پیش گرفته‌ایم، صحبت نکردن از نماز حداقل به مدت سه هفته، تاکید می‌کنیم. هدف ما در این روش این است که دختر یا پسر، حساسیت ما را نسبت به نماز فراموش کنند و از صحبت ما درباره‌ی نماز فاصله‌ای ایجاد شود که طی آن فرزند در ارتباط با ما احساس راحتی کرده و چنین تصور کند که بین ما هیچ اختلافی وجود ندارد تا اعتماد فرزندمان نسبت به ما باز گردد و دریابد که ما وی را به خاطر خودش دوست داریم و اگر باعث رنجش او می‌شویم تنها به خاطر رفتار بدش است، نه به خاطر شخص او.

تنش و جدال ایجاد شده میان والدین و فرزند، به واسطه‌ی اختلافی که با هم دارند، مانند سیم خارداری است که والدین را احاطه کرده است، به گونه‌ای که هر وقت فرزند بخواهد به آنان نزدیک شود او را ناراحت می‌کند یا این که والدین برای نصیحت کردن بخواهند به او نزدیک شوند. حتی زمانی که می‌خواهد با آن دو صحبت کند احساس ناراحتی روحی دارد. هدف ما در این مرحله از بین بردن سیم خارداری است که میان او و والدینش فاصله انداخته است.

مرحله‌ی دوم

مرحله‌ی عمل بدون صحبت است که مدت زمان آن، سه هفته تا یک ماه می‌باشد. در این مرحله هیچ سخنی با فرزندمان در میان

نمی‌گذاریم و تنها به مجموعه‌ای از رفتارهای هدفمند اکتفا می‌کنیم؛ مثلاً به عمد جانماز را روی مبلمان اتاقش یا بر روی رختخواب و یا هر جای مناسب دیگری در منزل می‌گذاریم. پدر برای برداشتن جانماز برمی‌گردد و در حالی که فکر می‌کند، با صدای بلند می‌گوید: جانماز کجاست؟ می‌خواهم نماز بخوانم؛ دیر شد! خدایا! نزدیک بود نمازم را فراموش کنم. یا می‌توانیم در مورد اوقات نماز از او بپرسیم: فرزندم! ساعت چند است؟ موذن اذان گفته؟ چقدر به نماز مانده است؟ فرزندم! یادت نمی‌آید که نمازم را خوانده‌ام یا نه؟

به مدت دو هفته تا سه هفته به همین روش ادامه دهید تا این که احساس کنید نوجوان راحت شده و فشار وارد شده را فراموش کرده است و بعد از آن وارد مرحله‌ی سوم می‌شویم.

مرحله‌ی سوم

به طور متناوب نه پیوسته به منظور طبیعی جلوه دادن موضوع و بردن فرزند با خود برای شرکت در بعضی از کلاس‌های درس، با ادعای این که نیاز به همراهی او داری، نه دعوت برای حضور در کلاس درس، چنین به او می‌گویی: عزیزم! خسته هستم و احساس کسالت می‌کنم، اما می‌خواهم در جلسه‌ی فلان درس حاضر شوم و دوست دارم که مرا همراهی کرده و با کمک تو به آن جا بروم. اگر جواب رد داد، اصرار مکن و بر او سخت مگیر! برای بار دوم به تلاش خودت ادامه بده؛ در اولین گام در هر کاری که برایش انجام می‌دهی، خودش را هم شرکت بده و از

طریق نظرخواهی و مشورت، برای برقراری روابط نزدیک و صمیمی تلاش کن، مثلاً مادر به دخترش بگوید: دخترم، نظر تو درباره‌ی این روسری چیست؟ و همراه این جملات در کنار آینه بایستد. یا برای نمونه، هنگامی که قصد خروج از خانه را دارد به او بگوید: «دخترم! بیا این نوار را با هم گوش کنیم تا ببینم نظرت در مورد آن چیست؟ بعد من هم نظر خودم را برایت می‌گویم.» با چنین نظرخواهی‌ای او را ناخودآگاه به سوی عبادتی می‌کشانید که خودتان آن را انجام می‌دهید.

باید فرزندمان را - خواه دختر یا پسر - آزاد بگذاریم تا نظر خود را درباره‌ی درس‌هایی که برایش گفته‌ایم بیان کند و حتی در مورد خودش آزادانه و با شجاعت سخن بگوید و بی‌هیچ واهمه‌ای و آزادانه در مورد مسائل دینی سؤال کند. لازم است در این زمینه توجه خود را به نکات مهمی که در زیر می‌آید جلب کنیم:

• قبل از اتمام موفقیت‌آمیز مرحله‌ی قبل، نباید به سراغ مرحله‌ی بعد برویم؛ چون هدف اساسی اجرای این مراحل، از بین بردن تنش ایجاد شده میان شما و فرزندتان است و از سرگیری مجدد روابط قطع شده میان او و مسائل دینی است. به طور کلی این موضوع، شبیه داروی آنتی بیوتیک است که باید به طور منظم و تا آخر آن را به کار بگیریم. در صورت عجله یا پیش آمدن مشکل برای دختر یا پسر در خلال اجرای برنامه در سه هفته‌ی تعیین شده، باید دست نگه داشته و از اول روند درمان آن را از سر بگیریم.

• در این برهه‌ی زمانی، نباید به هیچ وجه از نماز سخن به میان آوریم. چون این موضوعی است که باید فرزند در مورد آن به قناعت قلبی برسد، چنانچه در تمام زمینه‌های قبل موفق شدیم و برنامه‌های بعدی را هم به لطف الهی با موفقیت پشت سر گذاشتیم، بی‌گمان توانسته‌ایم نهال پاکی پرورش دهیم و از آن پس همان گونه که خود به نماز پایبندیم، فرزندمان نیز خود نمازش را به جای می‌آورد و روزی فرا می‌رسد که ما از نمازهای طولانی آنان گله‌مند خواهیم شد!

• جز در موارد محدود نباید از تقصیر و کوتاهی‌های بچه‌ها در زمینه‌ی نماز خرده گرفت و باید از بعضی خطاها مثل ادای حرکت و عدم خشوع در نماز چشم‌پوشی کرد و تنها به خطاهایی اعتراض کرد که قابل گذشت نیستند؛ همانند خواندن نماز بدون وضو.

• از خدا کمک بخواهیم و اندوهگین نشویم و پیوسته برای هدایت فرزندانمان دعا کنیم.[1] هرگز نفرینشان نکنیم و به خاطر داشته باشیم که انسان در زمینه‌ی هدایت به زمان نیاز دارد و اگر خدا بخواهد به خیر و خوبی تمام خواهد شد. بچه‌ها در این دوره، مسائل را فراموش می‌کنند و به سرعت تغییر می‌کنند، به خصوص وقتی که به مراحل رشدشان پی برده باشیم، و با آنان با آرامی و حوصله و با محبت رفتار کنیم.

---

[1]. در زمینه‌ی **دعای والدین برای فرزندان**، کتابچه‌ای حاوی دعاهایی بسیار سودمند از سوی انتشارات ایلاف با ترجمه‌ی مجید احمدی چاپ و منتشر شده است.

چگونه الگوی خوبی برای فرزندمان باشیم؟

• پدر و مادر تلاش کنند در روز جمعه پس از غسل روز جمعه با هم سوره‌ی کهف را (همراه با فهم معنا و مفهوم آن) بخوانند و بسیار طلب مغفرت کنند و بر پیامبر ﷺ درود بفرستند، تا خیر و برکت آن، بچه‌ها و اطرافیان را در بر بگیرد و فرزندان نیز در آینده به این کار ترغیب شوند.

• برای تعلق خاطر بچه‌ها به نماز، لازم است که پدر و مادر به حضور فرزندشان در نماز عید، اصرار داشته باشند.

• هر از گاهی، در حضور آنان گفته شود که ما نماز استخاره خواندیم و سجده‌ی شکر را به جا آورده‌ایم!

کودکان و مساجد

همان گونه که تصور رشد گیاه بدون ریشه محال است، نباید انتظار داشت که رشد عقلی و جسمی کودک، بدون تحرک و نشاط به دست آید. محال است کودک به زندگی و اسرار آن پی ببرد و دنیایی را که در آن به سر می‌برد بشناسد، مگر این که در اطراف آن به جست‌وجو بپردازد و هر چیز مادی یا معنوی را مشاهده کند. از آن جایی که خداوند متعال، محبت، آگاهی و قدرت تجزیه و تحلیل را به عنوان وسایل شناخت جهان هستی به ما ارزانی داشته است، قطعاً این عوامل در وجود کودک بیش‌تر است، به همین دلیل نباید به بهانه‌ی اذیت شدن نمازگزاران و یا سلب آسایش آنان، کودک را از رفتن به مسجد، منع کرد و از طرفی نباید بدون یاد دادن آداب مسجد آنان را به مسجد

فرستاد. باید قداست مسجد و تفاوت آن با اماکن دیگر را برای کودک توضیح داد؛ چون باعث می‌شود که کودک یاد بگیرد به خاطر احترام به مسجد، نه به خاطر ترس از تنبیه، از سر و صدا در مسجد پرهیز کند. ای کاش در اطراف مساجد، میدان وسیع و امنی وجود داشت تا هنگام مشغول بودن پدر و مادر به نماز در مسجد، کودک در آن جا مشغول بازی می‌شد! یا در مسجد به آنان شیرینی و هدایایی می‌دادند تا تصویری زیبا از این مکان مقدس در ذهن آنان نقش می‌بست.

دین ما، دین میانه‌روی است و متون دینی هم وجود ندارد که از بردن بچه‌ها به مسجد باز دارد، بلکه برعکس احادیث بسیاری هست که بر جواز بردن بچه‌ها به مسجد به آن‌ها استدلال می‌شود، از جمله‌ی آن‌ها حدیثی است که امام بخاری از ابو قتاده روایت می‌کند: «پیغمبر خدا ﷺ در حالی که نوه‌اش امامه، دختر عاص، بر دوشش بود، بر ما وارد شد و به نماز ایستاد. به هنگام رکوع، او را بر زمین می‌گذاشت و هنگامی که سر از رکوع بلند می‌کرد، او را بر می‌داشت.»

همچنین امام بخاری از ابوقتاده روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرموده است: «هنگامی که نماز می‌خوانم، دوست دارم آن را طولانی کنم، اما همین که گریه‌ی بچه‌ای را می‌شنوم، از ترس این که مبادا به مادرش سخت بگذرد، از طول دادن آن صرف نظر می‌کنم».

همچنین امام بخاری از عبدالله بن عباس روایت می‌کند: «بر الاغی سوار بودم، در حالی که تقریباً به سن بلوغ رسیده بودم. رسول الله ﷺ در مصلایی که دیوار نداشت، با مردم نماز می‌خواند؛ جلوی قسمتی از

صف گذر کردم و پیاده شدم و الاغ را رها کردم تا بچرد و به صف داخل شدم و کسی به من اعتراض نکرد.»

این دلایل نقلی به صراحت به ما می‌گویند که "کودکان را راحت بگذارید تا به مسجد بروند." و در کنار آن‌ها نیز دلایل عقلی‌ای وجود دارد که مؤید این مطلب می‌باشند. رفتن کودکان ما به مساجد تحقق بسیاری از اهداف دینی، تربیتی و اجتماعی را به دنبال دارد؛ در آنان انگیزه‌ی گزاردن مراسم دینی که همان تلاش برای خواندن نماز با جماعت باشد پرورش می‌دهد، همچنین محبت خانه‌ی خدا و آبادانی آن با ذکر و نماز را که هدف معنوی بسیار مهم برای هر مسمانی است در دل آن‌ها می‌کارد.

بهترین یاری‌دهنده بعد از کوشش و تلاش

شاید بهترین یاری‌دهنده بعد از کوشش متناسب با مراحل سنی کودکان تضرع، زاری و اشک ریختن در قالب دعا به درگاه خداست.

نمونه‌ای از دعاها چنین است:

(رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلاةَ وَمِن ذُرِّيَّتِي رَبَّنا وَ تَقَبَّلْ دُعَا)

• پروردگارا! مرا و کسانی از فرزندان را، از نمازگزارن بگردان و دعا و نیایش مرا بپذیرا!

(يا حَيُّ يا قَيُّومُ بِرَحْمَتِکَ اَسْتَغِيثُ أَصْلِحْ لأَولادِي شَأْنَهُمْ كُلَّهُ ولا تَكِلْهُمْ إِلَي أَنْفُسِهِمْ طَرفَةَ عَينٍ وَلا أَقَلَّ مِن ذَلکَ)

• ای خدای حیات‌بخش و پابرجا! به وسیله‌ی رحمتت از تو درخواست می‌کنم که فرزندانمان را به اندازه‌ی یک چشم بر هم زدن و حتی کم‌تر از آن، به حال خودشان وامگذارا!

(اللّٰهُمَّ اهْدِهِمْ لِصالِحِ الأَعمالِ وَالأَهواءِ وَالأخلاقِ، فَإِنَّهُ لا يَهدِي لِصَالِحِها إلا أَنتَ، واصْرِفْ عَنهُمْ سَيِّئَهَا لا يَصْرِفُ سَيِّئَهَا إلا أَنتَ)

• خدایا! آنان را به شایسته‌ترین اعمال و آرزوها و اخلاق، راهنمایی کن! چرا که جز تو کسی نمی‌تواند آنان را به این اعمال شایسته راهنمایی کند. از اعمال بد آنان گذشت کن که جز تو کسی را توان چنین کاری نیست!

(اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسأَلُکَ لَهُمْ الْهُدَى والتُّقَى والعَفافَ والغِنَى)

• بارالها! از تو درخواست هدایت، تقوی، پاکدامنی و غنای نفس می‌کنم!

(اللّٰهُمَّ طَهِّرْ بَناتِي وَ بَناتِ الْمُسلِمِينَ بِمَا طَهَّرْتَ بِهِ مَرْيَمَ، وَاعْصِمْ أَولادِي و أَولادَ الْمُسلِمِينَ بِمَا عَصِمْتَ بِهِ يُوسُفَ)

• بارالها ! همان گونه که مریم را پاک گرداندی و یوسف را محافظت کردی، دختران و پسران ما را این چنین پاک و محافظت بفرما!

(اللّٰهُمَّ اجْعَلِ الصَّلاةَ أَحَبَّ إِلَيهِمْ مِنَ الْمَاءِ البارِدِ عَلَى الظَّمَأِ، إِنَّکَ عَلَى كُلِّ شَيءٍ قَدِيرٌ وَ بالإجابَةِ جَدِيرٌ، يا نِعْمَ الْمَولَى وَ نِعمَ النَّصِيرُ)

• خدایا! نماز را نزد آنان از آب در وقت تشنگی، محبوب‌تر بگردان! چرا که تو بر انجام هر کاری توانایی و شایسته‌ترین اجابت‌کننده و بهترین یاری‌دهنده و کمک‌کننده هستی.

تجارب مادران

آن چه در زیر می‌آید، تجارب مادرانی است که در تشویق فرزندشان به نماز موفق بوده‌اند و لازم است که همه‌ی مادران، روش متناسب با شخصیت کودکشان را برگزینند.

۱ - مادری که دو فرزند داشت، می‌گفت: فرزند کوچکم به دلیل کوچک‌تر بودنش بسیار ناراحت و دلتنگ بود و همیشه آرزو می‌کرد که ای کاش من بزرگ‌تر بودم! هر وقت می‌خواستم که نماز بخواند به او می‌گفتم نمازت را خوانده‌ای؟ می‌گفت: نه! به او می‌گفتم: به خاطر کوچک بودنت، نماز نمی‌خوانی؟ او جواب می‌داد: من کوچک نیستم، بزرگم! در جوابش می‌گفتم: انسان بزرگ کسی است که نماز بخواند! همین جمله سبب روی آوردن او به نماز شد.

۲ - مادر دیگری می‌گفت: هر وقت فرزند شش ساله‌ام نمازهای پنجگانه را کامل می‌خواند، به او یک اسکناس می‌دادم و هر اسکناسی را که می‌گرفت، در قلک می‌انداخت، تا این که پول زیادی جمع شد و به وسیله‌ی آن هدیه‌ای بزرگ برایش خریدم و همین طور، پیش رفتم، تا این که دخترم به نماز گزاردن عادت کرد و پاداش گرفتن را فراموش کرد! (به همراه پاداشی که به کودک می‌دهیم، باید یادآور شویم که اجر و پاداش خدا در مقابل هر نمازی، از همه‌ی اجر و پاداش‌ها بهتر و بیش‌تر است.)

۳ - مادر سومی می‌گفت: همسرش به دلیل این که کارمند بود، کم‌تر در خانه بود و برای ترغیب فرزندش به نماز تلاش نمی‌کرد. اما

خداوند همسایگی کسی را نصیبمان کرد که کودکان همسایه را با هم جمع می‌کرد و برای هر نمازی به مسجد می‌برد. بچه‌ها نیز با او می‌رفتند و در مسیر مسجد به شادی و شوخی می‌پرداختند. همین طور گذشت، تا این که کودکش به نماز خواندن عادت کرد.

۴ - مادر دیگری می‌گفت: همسرش هنگام نماز مغرب و عشاء، فرزندانش را که در سن پنج، هفت و هشت سالگی بودند، دعوت می‌کرد تا با هم نماز جماعت بخوانند. بعد از اقامه‌ی نماز، همگی بر جانماز می‌نشستند و گاهی به داستان‌سرایی و بیان قصه‌های شیرین می‌پرداختند. عادت پدر این بود که به فرزندی که از نماز جا می‌ماند، چیزی نمی‌گفت و او را به حال خودش رها می‌کرد تا با میل و اراده‌ی خودش همراه پدر نماز بخواند. این وضعیت ادامه پیدا کرد تا این که دخترش تحت تأثیر قرار گرفت و در اوقات نماز، با مادرش به اقامه‌ی نماز می‌پرداخت. بعد از او دو فرزند دیگرش هم تدریجاً به او پیوستند و هنگامی که فرزند بزرگ‌ترش به سن دوازده سالگی رسید، پدر هر از چند گاهی به او می‌گفت: «آیا حق پروردگارت را به جا آورده‌ای»؟ او با این سؤال، فرزندش را به گزاردن نماز یادآور می‌شد، بدون این که اسمی از نماز برده باشد. همین امر ادامه داشت تا این که مسجد نزدیک خانه‌شان برای تمامی دانش‌آموزانی که به مسجد می‌رفتند، مسابقه‌ای ترتیب داد. به این صورت که به هر کدام از آنان برگه‌ای داد و امام مسجد در مقابل هر نمازی که در مسجد می‌گزاردند، علامتی در آن می‌زد. پسر بزرگ این خانواده و دوستانش به این صورت تشویق

می‌شدند تا جایی که حتی نماز صبح را در مسجد ادا می‌کردند و همین طور پیش رفتند تا این که فرزند بزرگ‌تر به نماز عادت کرد و پس از پایان مسابقه، تمام نمازهایش را در مسجد ادا می‌کرد.

۵ - مادر پنجمی می‌گفت: بچه‌هایم را به مدرسه‌ی حفظ قرآن فرستادم. خانم معلم بعد از حفظ کردن مقدار تعیین شده از قرآن، داستانی هدفمند برای آنان بازگو می‌کرد و از نماز و فضائل آن سخن می‌گفت و بچه‌ها را به نماز تشویق می‌کرد. هنگام نماز به آنان می‌گفت: بروید وضو بگیرید، تا با هم نماز بگزاریم! همین عملکرد ـ الحمدالله ـ سبب روی آوردن بچه‌ها به نماز شد.

۶ - مادر دیگری می‌گفت: دخترم را آزاد می‌گذاشتم تا در کنارم نماز بگزارد. در هیچ کدام از کارهایی که خلاف نماز خواندن بود و او انجام می‌داد، سرزنشش نمی‌کردم؛ خواه نماز را بدون وضو می‌گزارد، یا این که نماز ظهر را دو رکعت می‌خواند تا کمی بزرگ‌تر شد و در مدرسه نماز صحیح را یاد گرفت و چنان شد که به خواندن نمازها پایبند گردید.

۷ - یکی دیگر از مادران می‌گفت: فرزندش به وی گفته است که نمی‌خواهم نماز بگزارم، چون نماز خواندن، وقت مرا می‌گیرد! او از فرزندش خواست که یک تجربه‌ی عملی کسب کند. این مادر به فرزندش گفت: نماز صبح را شروع کن و من هم با ساعت برایت وقت می‌گیرم. فرزندش خوش‌حال شد و از این امر استقبال کرد و به نماز ایستاد و مادرش نیز زمان را محاسبه کرد. معلوم شد که نماز صبح یک دقیقه و

چند ثانیه بیش‌تر طول نمی‌کشد! مادر به فرزندش گفت: با آن که نماز را کند خواندی، اما نماز صبح، وقت زیادی از تو نگرفت و با این حساب، نمازهای پنجگانه در هر شبانه روز فقط هفده دقیقه و چند ثانیه بیش‌تر وقت نمی‌گیرد. یعنی از بیست و چهار ساعت شبانه‌روز فقط یک سوم ساعت، وقت می‌گیرد. حالا نظرت در این باره چیست؟ فرزند به مادرش نگاهی انداخت و شگفت‌زده شد!

۸ - یکی از مادران می‌گفت: فرزندش را از همان آغاز خردسالی با سخن گفتن از خدا و رسولش و داستان پیامبران و حفظ جزء سی‌ام قرآن خوب بار آورده بود، تا بنده‌ی شایسته‌ی خدا شود. اما به خاطر افت تحصیلی و اخلاقی کودک در مدرسه، ناچار شد فرزندش را به مدرسه‌ی دیگری که به همراه دروس دولتی، دروس دینی هم تدریس می‌کرد، منتقل کند. این مدرسه، مسجد داشت و از هر لحاظ، احترام و نظم در آن رعایت می‌شد. اما کودک در این مدرسه با مشکلات دیگری مثل سختگیری بعضی از معلمان، نیافتن دوستان دلخواه و تراکم زیاد درس‌ها مواجه شد و همه‌ی این‌ها را ناشی از دین و انجام عبادت و بندگی خدا می‌دانست و همین عوامل به تنفر او از نماز انجامید؛ به نحوی که حتی در خانه هم سخن دینی را نمی‌پذیرفت و از مادرش به سبب پایبندی به اسلام انتقاد می‌کرد و به جای مشغول بودن به دروس دینی و برنامه‌ی مدرسه، خود را به تماشای تلویزیون و مسائل تفریحی دیگر مشغول می‌کرد و حتی دین را مسخره می‌کرد! مادرش به این فکر افتاد که در تعطیلات تابستان که به عمره مشرف می‌شود، او را با خود

ببرد تا فرزندش بفهمد که دین خدا بسیار وسیع‌تر از آن چیزی است که مادرش می‌گوید، یا چیزی که در مدرسه به او یاد می‌دهند. و در عین حال از این هم بیمناک بود که فرزندش نسبت به خانه‌ی خدا اهانتی مرتکب شود، اما یقین داشت که خداوند، فرزند خردسالش را می‌بخشد.

وقتی کودک چشمش به کعبه افتاد، اولین سؤالش در مورد نوری بود که اطراف کعبه را فرا گرفته بود. چون اولین دیدار آنان از کعبه هنگام شب بود. مادرش او را رها کرد تا هر گونه که دوست دارد عمل کند، بازی کند، به بازار برود و به تماشای فیلم‌های کودکانه بنشیند و با میل خودش به حرم برود و در سخنرانی‌های دینی‌ای که به عمره مربوط بود، شرکت کند و در کنار این‌ها به بازی‌هایش ادامه دهد. به لطف خداوند هنگامی که کودک به خانه برگشت، اولین سؤالش این بود که چه زمانی دوباره به عمره می‌رویم؟ همچنین نظرش در مورد خدا و دین و نماز تغییر کرد و مادر متوجه شد که فرزندش به مرور زمان نماز را به درستی ادا می‌کند.

منابع و مآخذ

۱ . عبدالملک القاسم؛ فرزندانمان و نماز؛ بروشوری که انتشارات دارالقاسم آن را در ریاض منتشر می‌کند، ص ۴۰.

۲. حسن حسینی؛ چطور فرزندمان را به نماز عادت دهیم؟ مقاله‌ی منتشر شده در سایت:

www.islamway.camarabic images maktabah articles salaf htm

۳. دو سخنرانی توکل و یقین از دعوتگر اسلام عمرو خالد: اولی در ضمن سلسله مباحثی به نام شرایط اصلاح قلوب و دومی در سایت خودش: www.amrkhaled .com

۴. محبت دستور برخورد با دشمنان. استاد خانم نیفن عبدالله: مشاوره در ضمن باب با هم فرزندانمان را تربیت کنیم. در پایگاه محبت خدا را به آن‌ها یاد دهید. www.islam-online

۵. روش‌های دوست داشتن نماز: مشاوره‌ای در بخش "با هم فرزندانمان را تربیت کنیم" در www.islamonline.net

۶. سمیره مصری، "در دعوت اطفال: الگو باشید تماشاچی نباشید" در بخش "با هم فرزندانمان را تربیت کنیم"

www.islam-online.net

۷ . نیفین سویفی؛ نوجوانان، نماز، حجاب، برنامه‌ای برای پیوند و نزدیکی. مشاوره در بخش با هم فرزندانمان را تربیت کنیم.
www.islamonline.net

۸. یسرا علاء، "رها کنید فرزندانتان را تا در مسجد بازی کنند" بخش "حواء و آدم" www.islam-onlin.net

۹. استاد دکتر خانم منی، دسوقی؛ استاد فقه در دانشگاه الازهر و مادر سه فرزند: از طریق ارتباط شخصی با او.

۱۰. خانم دکتر ماجده عشره: پزشک کودکان و مادر دو پسر و یک دختر، از طریق ارتباط شخصی با او.